

تربیت ، تعلیم و تزکیه و اهداف آن در قرآن و روایات ائمه (علیهم السلام)

* روح الله صمدی

* چکیده :

نوشتار حاضر مروری است بر مهمترین اهداف تربیتی در اسلام که تلاش شده است بر اساس آموزه های قرآن کریم و برگرفته از تعلیمات مدرسه پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و اوصیای آن حضرت باشد. اگر انسان با تربیتی الهی به سوی حقیقت خویش سیر نکند، در مرتبه طبیعت خود متوقف می ماند و در سراشیبی نفسانیت فرو می غلظد و موجودی تباهگر و خونریز می شود. پس بهترین راه تربیت راه وحی یا راه تربیت معصومین علیهم السلام است .

* کلید واژه :

تربیت ، تعلیم ، تزکیه ، اصول و اهداف قرآنی

* تعریف تربیت :

♦ تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می خواهد رشد را تسهیل کند. تربیت سرپرستی از جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد است.^۱

♦ تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) بویژه عمل یا تأثیر فرد بالغ و مجرب بر کودک و نوجوان به منظور ایجاد صفات اخلاقی و عملی یا مهارتهای حرفه‌ای.^۲

۱. شکوهی، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۶.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۳۶۶.

♦ تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند.^۳ تربیت کوششی است که هر جامعه برای تأمین نظارت و تسلط خود بر فرد به عمل می‌آورد.^۴

در این مقاله کلمات دیگری همچون «تعلیم»، «تزکیه»، «تدریس»، «پروراندن»، «بارآوردن»، «تهذیب»، و ... نیز استعمال می‌شود.

تربیت یعنی برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آن که بی شک باید با کوشش تربیت شونده نیز هماهنگ باشد بنابراین تربیت در صورتی ثمربخش خواهد بود که تربیت شونده نیز استعداد دگرگونی را از خود نشان دهد.^۵

♦ تربیت از کلمه رَبَوَ اخذ شده است: رَبَوَ گاه به معنای غذا دادن [ربه الوالد ای غذا و جعله یربوا] و گاه به معنای تهذیب و پاک ساختن اخلاق فرد از آلودگیها [ربه الوالد ای هذب - وهذب الرجل ای طهر اخلاقه مما یعیبها^۶] به کار رفته است.

ولی تربیت واقعی عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن.^۷

♦ تربیت یک جریان بیرونی، درونی است: امام علی علیه السلام هدف از بعثت انبیاء علیهم السلام که بزرگترین مربیان بشر بوده‌اند را چنین بیان می‌کند: (لیثیروا لهم دفائن العقول..)^۸ تا گنجینه‌های خرد را در ایشان شکوفا سازند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: هر انسانی با فطرتی خداپذیر به دنیا می‌آید.^۹ اما همین قابلیت‌ها و تواناییها چنان نیست که در بستر طبیعت و به خودی خود شکوفا شود.

۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۴.

۴. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران، ص ۴.

۵. دکتر سید محمد باقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، بخش دوم، چ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۰.

۶. المنجد، ذیل واژه رَبَوَ.

۷. شهید مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۸.

۸. نهج البلاغه، خ ۱.

۹. کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه او ینصرانه.

♦ تعلیم عبارت است از عملی که صرفاً دلالت بر انتقال معلومات دارد، و از سطح ذهن مرتب‌تری فراتر نمی‌رود، در تعریف تعلیم (آموزش) گفته‌اند: آموزش عبارت است از فعالیتهایی که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده از جانب معلم طرح‌ریزی می‌شود و به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد.^{۱۰} بنابراین تربیت اخلاقی، آموزش اطلاعات و انتقال پیامهای اخلاقی نیست، بلکه فراهم کردن زمینه‌ایست برای واقعیت یافتن نیکی طبیعت انسان، پیدا شدن و به کار آمدن وجدان اخلاقی فرد تا او خود با تکیه بر درون مایه‌های فطری خویش آنچه که خیر و فضیلت است را کشف کند.

✽ تفاوت تعلیم و تربیت:

با توجه به دو تعریف فوق می‌توان گفت که:

- ۱ - پرورش غیر از آموزش است، در پرورش (تربیت) هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و تواناییهای بالقوه انسان است، بخلاف آموزش که هدف اصلی آن انتقال معلومات است. ۲ - به همین دلیل در مقایسه با تعلیم، تربیت به مدت زمان بیشتری نیاز دارد. ۳ - در تعلیم فقط (و یا به عبارتی بیشتر) با یک بُعد از ابعاد وجودی انسان یعنی بُعد شناختی و عقلانی او سر و کار داریم اما تربیت فراگیر و همه جانبه است و بیشتر با دل و قلب و روان او سروکار داریم.
- ۴ - تعلیم معمولاً بیشتر بوسیله معلم و در جای معینی همچون مدرسه و کلاس درس صورت می‌گیرد ولی در تربیت همه عوامل موجود در محیط به نحوی بر فرد تأثیر می‌گذارند.

به علاوه با دقت در تعریف تربیت نکات زیر استفاده می‌شود:

- ۱ - برای آنکه مربی بتواند به وظیفه خویش در امر تربیت عمل نماید، لازم است شناخت دقیقی از ویژگیها و خصوصیات انسان و ابعاد وجودی وی داشته باشد. ۲ - شناخت هنجارها و ارزشهای مورد نظر و به عبارتی شناخت دقیق مقصد تربیت (هدف) ضرورت تام دارد. ۳ - به لحاظ آنکه تربیت جریانی منظم و مستمر است، لزوم تهیه طرح و نقشه قبلی برای تربیت، امری غیرقابل انکار است. این طرح و برنامه از سویی با ملاحظه خصوصیات و ابعاد وجودی انسان و از سوی دیگر با شناخت و تعیین هدفهای واسطه و نهایی، تهیه می‌گردد. ۴ - تربیت فرآیندی است از مقوله «دیگر سازی»، از اینرو با اخلاق که از مقوله خودسازی

تربیت، تعلیم و تکریم و
اهداف آن در قرآن و
روایات ائمه (علیهم السلام)

۱۰. ر. ک به سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی، ص ۱۴.

است تفاوت دارد. به عبارت دیگر تربیت فرآیندی است که در یک طرف مربی و در طرف دیگر متربی قرار دارد، به همین جهت مقوله خودسازی که در علم اخلاق مطرح می‌شود از مباحث تعلیم و تربیت نیست علاوه بر این حیثه اخلاق و تربیت یکسان نیست، پرورش اخلاقی یک بُعد از ابعاد تربیت است.^{۱۱}

✽ جایگاه و ضرورت تربیت:

انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است تا به مقام خلیفه‌اللهی رسد و این سیر جز با تربیت حقیقی میسر نمی‌شود. حقیقت انسان، حقیقتی ملکوتی است و انسان با طی مراتبی، قوس نزولی را طی کرده است و در این مرتبه خاکی و در پایین‌ترین مراتب قرار گرفته است و با تربیت می‌تواند به حقیقت وجود خویش دست یابد و مُتصف به والاترین

کمالات شود. خدای متعال در این باره یادآور شده است
 ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ * لَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (تین/۹۵/۴ تا ۶) هر آینه انسان را در نیکوترین صورت و هیئت آفریدیم. آن گاه او را به پایین‌ترین مراتب نازل کردیم. مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس ایشان راست‌مزدی بی پایان.

امام خمینی(ره) درباره سیر تربیت انسان می‌فرماید: انسان مراتب



۱۱. ر.ک به فصلنامه حوزه و دانشگاه سال دوم شماره پنجم، رابطه اخلاق و تربیت.

تربیت، تعلیم و تزکیه و اهداف آن در قرآن و روایات ائمه (علیهم السلام)

سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت ، تا برسد به آنجایی که مقام الوهیت است . سیر از طبیعت تا رسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نبیند. این موجود قابل این است که از این طبیعت سیر بکند و تمام معنویتها را در خودش با تربیت صحیح ایجاد بکند و برسد به مقامی که حتی فوق مقام ملائکه الله باشد. پیام آوران الهی آمده اند تا زمینه های چنین تحول مقدسی را فراهم کنند، انسان را از مرتبه اسفل به اعلا بکشانند و از ظلمات حیوانیت به نور انسانیت برسانند. تربیت در سنت پیام آوران الهی خروج از ظلمات به سوی نور است و کتاب انبیا، کتاب تربیت انسان است ، خدای متعال درباره قرآن کریم به پیامبرگرامی اش می فرماید: ﴿ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴾ (ابراهیم/۱/۱۴) این کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم تا مردم را به خواست و فرمان پروردگارشان از تاریکیها به روشنایی بیرون آری ، به راه آن توانای بی همتا و ستوده. اگر این تحول نورانی بر اساس تربیتی ربانی در انسان محقق نشود، انسان در مرتبه حیوانیت خود متوقف می ماند و استعدادهای خود را در این جهت به کار می گیرد. همه تلاش پیام آوران الهی بر این بوده است که انسان تربیت کنند. امام خمینی(ره) در این باره می فرماید: تمام دنیا موضوع بحثشان ، موضوع تربیتشان ، موضوع علمشان انسان است ؛ آمده اند انسان را تربیت کنند، آمده اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه ، مافوق الجبروت برسانند. تمام بحث انبیا در انسان است ، از اول هر یک از انبیا که مبعوث شدند برای انسان و برای تربیت انسان مبعوث شدند... انبیا آمدند که ما را هشیار کنند، تربیت کنند. انبیا برای انسان آمدند و برای انسان سازی آمدند. کتب انبیا کتب انسان سازی است . قرآن کریم کتاب انسان است . موضوع علم انبیا انسان است . هر چه هست حرف با انسان است . انسان منشاء همه خیرات است و اگر انسان نشود، منشاء همه ظلمات است.

این موجود بر سر دوراهی واقع است؛ یک راه، راه انسان و یک راه، راه منحرف از انسانیت است تا از چه حیوانی سر بیرون بیاورد^{۱۲} پیام آوران الهی آمده اند تا راه تربیت را بر آدمیان بکشایند و مردمان را به ربانی شدن بخوانند ﴿ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴾ (آل

تربیت، تعلیم و تکریم و
اهداف آن در قرآن و
روایات ائمه (علیهم السلام)

۱۲ . تفسیر امام خمینی ، حزب جمهوری اسلامی ، صص ۱۰۱-۱۰۳.

عمران/۳/۷۹) هیچ بشری را نسزد که خداوند به او کتاب و حکم و پیامبری دهد. آن گاه وی مردمان را گوید: به جای خدا بندگان من باشید. بلکه (باید بگوید): به سبب آنکه کتاب (آسمانی) تعلیم می دادید و از آن رو که درس می خواندید، ربانی باشید. دلالت آیه در اینکه همه تلاشهای تربیتی باید به سوی ربانی شدن باشد کاملاً روشن است؛ مؤدب شدن به ادبی الهی که اتصاف به صفات خدا و پیروی از آداب پیامبر گرامی اش و اهل بیت آن حضرت است «فالادب مع الله بالافتداء بأدابه و آداب نبیه و اهل بیته علیهم السلام»^{۱۳} پس ادب نسبت به خداوند پیروی از آداب الهی و آداب پیامبرش و اهل بیته است که درود خدا بر آنان باد.

✽ اهداف تربیت اسلامی :

چون برای هر موجودی کمالی است که هدف خلقت او به تبع آن هدف رسیدن به آن کمال است، هدف تربیت، تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مُقدر شده است.^{۱۴} در واقع، هدف نهایی تربیت در اسلام، رضای خدا و تقرب ذات او است.^{۱۵}

✽ ویژگیهای خاص اهداف تربیتی:

- (۱) ارزشی بودن؛ ویژگی هدف تربیتی آن است که برپایه معیارهای عقلانی، منطقی و ارزشی انتخاب شده باشد.
- (۲) تفصیلی بودن؛ هدف تربیتی اصطلاحاً به اهدافی اطلاق می شود که تفصیلاً و به روشنی در ذهن مریبان حضور داشته و حتی بیان شده باشد،
- (۳) مرتبط و منسجم بودن؛ بین اهداف تربیتی باید ارتباط منطقی، ترتب و انسجام وجود داشته باشد و در هجوم اهداف، جایگاه و نسبت هر هدف کلی یا جزئی با اهداف کلی یا جزئی دیگر معین باشد. هدفهای از هم گسیخته و بیگانه، نمی توانند اهداف قابل قبولی برای تربیت باشند؛^{۱۶} لذا می توان اهمیت و نقش اهداف را در موارد زیر خلاصه نمود:

۱۳ . ابومحمد الحسن بن محمد الدیلمی ، ارشاد القلوب ، الطبعة الرابعة ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، بیروت ، ۱۳۹۸ ق . ج ۱ ، ص ۱۶۱ .
 ۱۴ . غلامحسین شکوهی ، تعلیم و تربیت و مراحل آن ، ص ۲ - ۴۸ .
 ۱۵ . ولی الله موسوی ، سیمای انسان آرمانی ، ص ۱۱۵ - ۱۳۸ .
 ۱۶ . دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ؛ اهداف تعلیم و تربیت .



۱- جهت دهی به نظام تربیتی و ایجاد هماهنگی:

اهداف نسبت به نظام تربیتی نقش مبنایی دارند، از این رو چنانکه اشاره شد، تعیین اصول و روشهای آموزشی و تربیتی، تا حد زیادی مبتنی بر تعیین اهداف است. اهداف، جهت نظام تربیتی را معین می‌کنند. دلیل وجودی هر نظام آموزشی، تحقق بخشیدن به هدفهای آن نظام است.^{۱۷}

۲- ایجاد انگیزه و نشاط:

تعیین دقیق و روشن اهداف، جریان آموزش و پرورش را مشخص کرده، در نشاط و پشتکار و انگیزش مربی و مرتبی، تأثیر تام دارد.

۳- معیار بودن برای ارزیابی:

نظارت و کنترل موفقیت فرآیند تربیت و تعلیم، مبتنی بر ارزیابی است و ارزیابی نیز با توجه به اهداف صورت می‌گیرد. تا اهداف، معین و طراحی نشده باشند، نمی‌توان جریان کار و پیشرفت یا عدم پیشرفت کمی و کیفی به سوی آنها را ارزیابی نمود. هدف تربیت اولاً رشد همه جانبه ابعاد وجودی انسان و شکوفا کردن استعدادهای نهفته او، ثانیاً آماده کردن انسان برای زندگی اجتماعی و جمعی، ثالثاً ایجاد سازگاری و تقویت سازگاری انسان در مقابله با مشکلات زندگی است.^{۱۸} اهداف تربیتی: مقاصد و اهداف نزدیک، متوسط و نهایی که به وسیله نظام های تربیتی دنبال می شود.

برخی گفته اند اهداف تعلیم و تربیت اسلامی عبارت است از:

۱- آموزش مفاهیم و معارفی که برای سلوک الی الله و تحقق اهداف انسان سازی اسلامی ضروری است؛

۲- ایجاد زمینه کسب مهارت‌ها و عادات اخلاقی مناسب با هدف غایی انسان

۳- آموزش اطلاعات لازم برای زندگی در جامعه اسلامی

۴- آموزش علوم و معارفی که جامعه اسلامی به آن نیاز دارد

۵- ایجاد مهارت‌های لازم در کاربرد آموزه‌های علمی

۶- ایجاد انگیزه و توانایی کشف نادانسته‌ها در عرصه‌های مختلف معرفت

۱۷- امین‌فر، مرتضی؛ جزوه ۳ از سلسله بحثهایی درباره علوم تربیتی؛ ص ۵ و ۶.

۱۸- پارسا، محمد، روان‌شناسی تربیتی، تاریخ انتشار ۱۳۷۸.



❁ تعیین و تشخیص هدف غایی :

در قرآن کریم واژه‌هایی را می‌یابیم که ناظر به هدفها هستند، یعنی نشانگر وضعیت‌هایی درباره انسانهاست که باید آنها را متحقق نمود، اما حیطه آنها از حیث وسعت و ضیق، منطبق بر هم نیست. بعضی از آنها بعضی دیگر را درون خود جای می‌دهند و بعضی نیز با تعدادی دیگر در عرض هم قرار می‌گیرند. مهمترین آنها که نشان دهنده اهداف است، عبارتند از:

♦ رشد: ﴿...فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (بقره/۱۸۶)

♦ طهارت: ﴿...وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ...﴾ (مائده/۵۶)

♦ حیات طیبه: ﴿...فَلْنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...﴾ (نحل/۹۷)

♦ هدایت: ﴿...وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (فتح/۴۸)

♦ عبادت: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶)

♦ تزکیه و تهذیب: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ (مؤمنون/۴)

برخی از این اهداف عبارتند از: هدایت و رشد، طهارت و حیات طیبه، تقوا، قرب و رضوان و عبادت. البته از میان اینها قرب و رضوان بیشتر رنگ هدف غایی را دارند و بقیه بیشتر به مسیر و طریق مانند هستند و آدمی را به بالاترین درجات قرب و رضوان می‌رسانند.

❁ اهداف کلی :

اهداف کلی، هدف‌هایی هستند که بر اساس هدف غایی و معیارهای دیگر در شؤون مختلف زندگی آدمی (مثل شؤون فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) تعیین شده و دارای نوعی شمول و فراگیری هستند. به عبارت دیگر، هدف‌های کلی طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند که از هدف غایی پایین‌تر بوده و تا اهداف جزئی رفتاری امتداد می‌یابند. هر یک از هدف‌های کلی، به مثابه منزلی است که گذشتن از آن، شرط لازم وصول به مقصد نهایی است و البته برای رسیدن به هر یک از این منازل نیز باید برنامه‌ریزی کرد. تربیت بر اساس زمینه‌ها و حوزه‌های آن به اقسامی مانند: تربیت «عقلانی»، «دینی»،



«اجتماعی»، «خانوادگی» و «سیاسی» تقسیم می‌شود و هر کدام دارای اهدافی است که ذیلاً به اختصار به تربیت عقلانی می‌پردازیم:

❁ اهداف تربیت عقلانی:

از بارزترین و ممتازترین جنبه‌های آدمی قدرت تفکر و تعقل اوست، که به نام عقل خوانده شده است. در دیدگاه اسلامی یکی از مهمترین ابزارها برای صعود به مراحل عالی انسانی و رسیدن به اهداف غایی، پرورش و به کارگیری صحیح این توانایی است. که برای رسیدن به قرب الهی، به کارگیری عقل و اندیشه اجتناب ناپذیر است، و از همین روست که پرورش و هدایت این نیرو در انسان، از اهداف مهم واسطه‌ای در تربیت به شمار می‌رود. انسان با توانایی برگرفته از عقل و اندیشه، نه تنها به اصل دین دست می‌یابد، بلکه به کنه و عمق آن نیز پی می‌برد. ترغیب آیات و روایات در مورد پرورش این توانایی و استفاده از آن در فهم دین، بیانگر اهمیت نقش عقل در فهم و درک حقایق و تکالیف دینی است. آنچه از قرآن و روایات درباره نقش عقل در زندگی و سعادت به دست می‌آید، دو مطلب است:

۱) به کارگیری توانایی تفکر و اندیشه در هر زمان، به نحوی که انسان بدون تعقل و خردورزی کار انجام ندهد. تعبیرهای مختلف افلا تعقلون، لعلهم یتفکرون و ... ناظر به همین معناست. ۲) استفاده از ابزار اندیشه در شناخت خدا، درک معارف و حقایق دینی و شناخت خود و نیز تحصیل علوم و معارف دیگر. آیاتی که اهمیت تفکر، تعقل و اندیشه از آنها فهمیده می‌شود، گاه دعوت به اندیشه و تفکر کرده‌اند و گاه شکوفایی عقل را در پرتو بعثت انبیا دانسته‌اند و گاه به کارگیری عقل را در جهت فراگیری علوم و معارف مطرح کرده‌اند:

۱- دعوت به تفکر و تعقل:

در قرآن، آیات بسیاری ما را به تعقل و تفکر دعوت می‌نماید که موضوع تفکر و جهت گیری آن را نیز تا حدی می‌توان از این آیات به دست آورد؛ مانند آیاتی که در آنها کشف آیات الهی، عبرت از عاقبت و سرانجام کار تبه‌کاران در طول تاریخ، آگاهی از آغاز و انجام خلقت (مبدأ و معاد)، بهره‌گیری از قصص و مثالهایی که خدا در قرآن متذکر شده و اسرار خلقت آسمانها و زمین مطرح شده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُؤُوسَ الْجِبَالِ لِيُبَيِّنَ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (رعد/۱۳)



﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً
وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (روم/۳۰-۲۱)

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل/۱۶-۱۲)

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ
مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا
كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (سوره روم/۳۰-۹).

۲- شکوفایی عقل در پرتو بعثت:

یکی از اهداف بعثت انبیا، شکوفایی و کمال بخشی قوه تعقل و تفکر انسان بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «ولا بعث الله نبیا و لا رسولا حتی یستکمل العقل»^{۲۰} و حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «فبعث فیهم رسله و اتر الیهم انبیاءه... و یثیروا لهم دفائن العقل»^{۲۱} لذا در این ارتباط می توان گفت: بهره گیری انبیا از عقل انسان در دو جهت بوده است: یکی در مرحله ایجاد ارتباط و پیام رسانی و دیگری در مرحله دریافت و هضم آن پیام توسط انسانها. تربیت عقلانی علاوه بر هدایت و جهت دهی به عقل، باید به پرورش و تقویت خود عقل



۲۰ . اصول کافی؛ ج ۱، ص ۱۲.

۲۱ . نهج البلاغه/ خطبه اول.



به عنوان ابزار اندیشیدن نیز پردازد و در وهله اول چگونگی بهره‌برداری از عقل و فکر و شیوه‌های تفکر و لغزشگاههای فکر و معیارهای درستی آن را به متری بیاموزد و آنگاه جهت و هدف استفاده از این استعداد الهی را به او نشان دهد و او را در این راه هدایت کند. به این ترتیب اهداف کلی زیر می‌تواند خلاصه‌ای از اهداف تربیت عقلانی به شمار آید:

- ۱ - تقویت روحیه حقیقت‌جویی، تعقل و تفکر، مطالعه، بررسی، تعمق، تحقیق، نقادی و ابتکار در تمام زمینه‌های اسلامی، فرهنگی، علمی و فنی؛ ۲ - تقویت روحیه تعلیم و تعلم مستمر؛ ۳ - شناخت عالم هستی به عنوان تجلیگاه حقیقت مطلق و جلوه ذات باری تعالی؛ ۴ - شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت، به عنوان آیات الهی و به منظور پیشبرد دانش و معرفت و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری؛ ۵ - دریافت آموزشهای مقدماتی در جهت آشنایی با قرآن و معارف اسلامی، مانند آموختن زبان عربی؛ ۷ - پرورش روحیه مشاهده و تفکر و تعقل در آثار صنع الهی با بهره‌جویی کامل از دستاوردهای علمی بشر؛
- ۸ - پرورش معرفت نسبت به خداوند و صفات او و نیز معرفت نفس، به عنوان مقدمه معرفت پروردگار؛ ۹ - تقویت آگاهی فرد نسبت به ارزش و ضرورت تزکیه و تهذیب نفس.

❁ نتیجه گیری :

امروزه کلید تمامی ابعاد توسعه را، توسعه انسانی قلمداد می‌کنند که بدون آن رشد و توسعه امکانپذیر نیست. در نظام اسلامی، نیروی انسانی از طرفی خود هدف است که توسعه برای او در خدمت اوست و از طرف دیگر خود عامل و کلید توسعه است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: ای کمیل مردم به سه دسته اند، اول علمای ربانی، دوم دانشجویان که در راه نجات هستند و سوم فرومایگان پست و بی‌اراده‌ای که خیری در آنها نیست آنچه در این بیان شریف مدنظر قرار گرفته، توسعه منابع انسانی و رشد و ارتقای علمی، فکری و معنوی انسانهاست که کلید سعادت دنیا و آخرت می‌باشد. البته مفهوم علم و دانش وسیع و فراتر از ابعاد فیزیکی و مادی است. هدف علم معرفت الله است و نهایت آن وصول انسان به مقام معرفت الهی و منزل علمای ربانی است. حضرت علی علیه السلام از این دیدگاه انسانها را به سه گروه تقسیم نموده اند که دو گروه از آنها اهل نجات هستند. اولین گروه واصلان الی اله و دومین گروه طالبانی که در مسیر کمال کوشا هستند (توسعه‌اند و از طرف دیگر مظلوف آن) توسعه

تربیت، تعلیم و تکریم و
اهداف آن در قرآن و
روایات ائمه (علیهم السلام)

واقعی به توسعه ظرفیتهای فکری، اخلاقی، اعتقادی، بینشی و معرفتی انسانها مربوط می شود. هدف توسعه باید خود انسانها و انسانیت آنها باشد. اسلام انسان را جوهری ترکیب یافته از ملک و ملکوت دانسته و او را به مقیاس عمیقی تشبیه نمود که دسترسی به عمق و ابعاد وجودی وی کاری بسیار پیچیده و دور از نگاه سطحی به پهنای اقیانوس وجود اوست.

❁ منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
ابومحمد الحسن بن محمد الدیلمی، ارشاد القلوب، الطبعة الرابعة، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۸ ق. ج ۱.
امام روح الله خمینی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ۱۳۷۱ ش، ج ۷، ص ۲۸۲.
امین فر، مرتضی؛ جزوه ۳ از سلسله بحثهایی درباره علوم تربیتی.
امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت.
پارسا، محمد، روان شناسی تربیتی، تاریخ انتشار ۱۳۷۸.
التومی، عمرمحمد، فلسفه التربية الاسلامیه.
دکتر سید محمد باقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، بخش دوم، چ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.
سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش، ویراست نو)، چاپ پنجم، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۹.
شکوهی، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن، و مبانی و اصول تعلیم و تربیت.
صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران. / عابدی، لطفعلی، اصول تربیت در اسلام با تکیه بر قرآن کریم.
فتحعلی خانی، محمد، آموزه های بنیادین علم اخلاق جلد دوم. / قائمی، علی؛ زمینه تعلیم و تربیت.
کاردان، علیمحمد؛ معنی و حدود علوم تربیتی. کلینی رازی، محمد. «اصول کافی». ج ۱. تهران؛ انتشارات دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیه السلام، بی تا.
کریمی، عبدالعظیم؛ تربیت چه چیز نیست. / مصباح یزدی، محمدتقی، جزوه ۳ از «بحثهایی درباره علوم تربیتی».
مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام. / معلوف، لوئیس. «المنجد فی اللغة». تهران؛ انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، سال ۱۳۶۵.
ولی الله موسوی، سیمای انسان آرمانی.

تربیت، تعلیم و تزکیه و
اهداف آن در قرآن و
روایات ائمه (علیهم السلام)